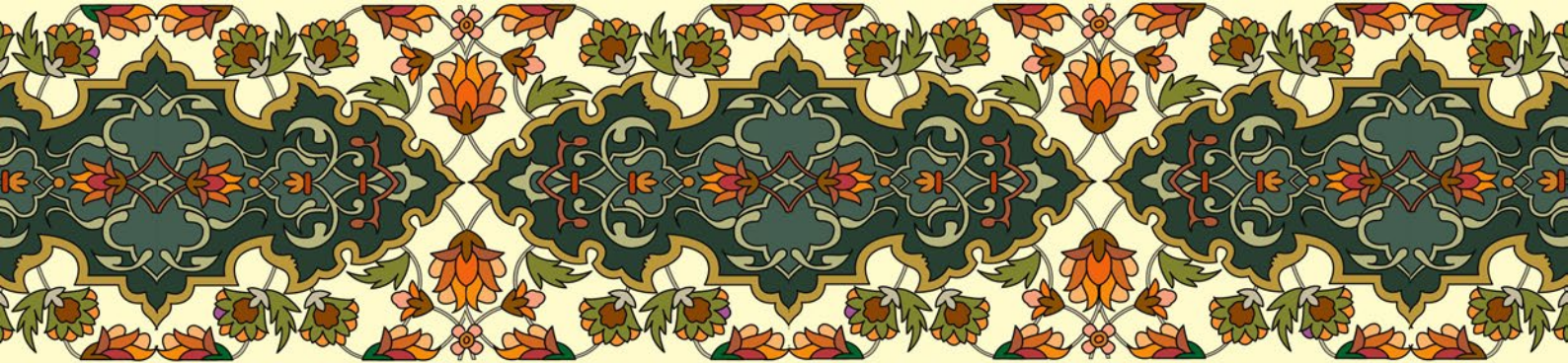




پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی



شماره: ۱۰۲

نویسنده: امید فریمانی

تاریخ: ۱۳۹۹/۵/۱۸

موضوع: بررسی تطبیقی ویژگی‌های دنیا در کلام
امام علی علیه السلام و کلام علامه منصور هاشمی
خراسانی حفظه الله تعالى

توجه: دیدگاه درج شده دیدگاه ارسالی توسط یکی از کاربران است و
لزوماً دیدگاه این دفتر محسوب نمی‌شود.

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى

بسم الله الرحمن الرحيم



در این نوشتار، نویسنده سعی دارد ویژگی‌های دنیا در کلام امیر المؤمنین حضرت علی علیه السلام را با بیانات حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی به صورت اجمالی تطبیق دهد تا خوانندگان از یک سو به این حقیقت پی برند که کلام حضرت علامه حفظه الله تعالی دقیقاً منطبق بر کلام اهل بیت علیهم السلام و از سنخ و جنس آن است، بلکه در حقیقت چیزی جز آن نیست و چونان آینه‌ای آن را منعکس می‌کند و از سوی دیگر، با مذاقه در این بیانات روشنگر و عبرت‌آموز، آن را نصب العین خویش در زندگی روزمره قرار دهند تا غرق دنیا نشوند و آخرت را فراموش نکنند.

به راستی دنیاگرایی تا چه اندازه می‌تواند به غفلت و فراموشی ما از آخرت و خسران و شقاوت ما دامن زند؟ دنیایی که بنا بر فرمایش حضرت علی علیه السلام، ابتدایش رنج و سختی و سرانجامش نابودی، شیرینی اش تلخ و غذایش زهر و لقمه اش گلوگیر، متاعش نکبت آلود و پناه آورده اش غارت زده است؛ و بنا بر فرمایش حضرت علامه حفظه الله تعالی، نه ما برای اویسیم و نه او برای ما و به گونه‌ای از ما گریزان است که گویی جذامیانیم!

در ادامه، هشت ویژگی بارز دنیا در کلام حضرت علی علیه السلام را بر می‌شماریم و در کنار آن به ذکر فرمایش حضرت علامه حفظه الله تعالی که مناسبت معنایی و انطباقی با ویژگی‌های یاد شده دارند، می‌پردازیم.

۱. دنیا کوشش بی‌حاصل و کانون سختی و نابودی

حضرت علی علیه السلام درباره‌ی حقیقت دنیا می‌فرمایند:

«چگونه خانه‌ی دنیا را توصیف کنم که ابتدای آن سختی و مشقت و سرانجام و پایانش نابودی است. در حلال دنیا حساب و در حرام آن عقوبت و عذاب است؛ کسی که در دنیا احساس بی‌نیازی کند فریب می‌خورد و کسی که احساس فقر نماید محزون می‌گردد؛ تلاش‌کننده‌ی دنیا هرگز به آن نمی‌رسد و دنیا به رهاکننده‌ی آن روی می‌آورد؛ کسی که با چشم بصیرت به آن بنگرد او را آگاهی بخشد و آن کس که چشم به دنیا دوزد دلش را کور می‌کند.»^۱

حضرت علامه حفظه الله تعالی نیز در تبیین این ویژگی می‌فرمایند:

«به راستی می‌گویم که دنیا برای شما نیست و شما برای آن نیستید. آیا نمی‌بینید که چگونه از شما گریزان است چونانکه گویی جذامیانید؟! پس بگذارید آن را برای کسانی که در سر سودای آخرت ندارند؛ چراکه آن نصیب آنان از عیش است؛ مانند جرعه‌ای آب شور در مشکی تفتیده که تشنگی را فرو نمی‌نشانند! چه فرقی دارد برای شما که استخوانی افتاده بر راه را سگی بردارد یا گربه‌ای ببرد در حالی که شما را به آن حاجتی نیست؟!»^۲

۱. نهج البلاغه، صبحی صالح، (قم، هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه. ق.)، خطبه‌ی ۸۲

۲. گفتار ۱۱۶

همچنین، در باب بی حاصل بودن کوشش برای دنیا می فرمایند:

«باری اکنون که از مرگ گزیری نیست، در حالی بمیرید که برای آخرت کوشانید، نه برای دنیا؛ زیرا کوشش برای آخرت با مرگ به ثمر می رسد و کوشش برای دنیا با مرگ بر باد می رود! هنگامی که ندا شنیده می شود کسی از شما که آزاد است بی درنگ به سویش می شتابد و کسی از شما که گرفتار است می گوید: خانه را چه کنم؟ پیشه را چه کنم؟ بدهی را چه کنم؟ آن را چه کنم؟ این را چه کنم؟ پس بدین سان باز می ماند، در حالی که از زیان کاران است.»^۱

۲. ناپایداری حکومت دنیا و مشقت زندگی در آن

حضرت علی علیه السلام در بیان این ویژگی می فرمایند:

«حکومت دنیا ناپایدار، عیش و زندگانی آن تیره و تار، گوارای آن شور، شیرینی اش تلخ، غذای آن زهر و اسباب و وسایل آن پوسیده است؛ زنده اش در معرض مردن و انسان سالمش در معرض بیمار شدن است؛ حکومت آن بر باد رفته و عزیزان آن شکست خورده، متاع آن نکبت آلود و پناه آورده ی آن غارت زده است.»^۲

حضرت علامه حفظه الله تعالی نیز در تبیین این ویژگی می فرمایند:

«پس آیا دنیا مانند حبابی نیست که کودکی بازیگوش در آن دمیده و به پرواز آن خرسند است، در حالی که آن را بقایی نیست؟! یا دوستی برفین که به چوب و سنگریزه اش آراسته، چونانکه گویی دوستی زنده است، در حالی که با آفتاب ذوب خواهد شد؟! بی گمان دل بستن به ناپایدار خصلت کودکان است؛ پس شما که بزرگسالانید چرا دلبسته ی دنیایید؟! آیا عیب نیست بر شما که با این قامت های دراز در پی چرخی گردان دوانید؟! بگذارید این بازی را برای کودکان و برای کسانی که مانند کودکانند؛ چراکه شما بزرگانید؛ چونان رهگذرانی که ساعتی بر کنار بازی گاه کودکان فرود آیند، پس به بازی آنان بنگرند که چگونه بر هم می جهند و سپس بر خیزند و بروند!»^۳

۱. همان

۲. نهج البلاغه، خطبه ی ۸۳

۳. گفتار ۱۱۶

این است که روزگار تیرش را به چلّهی کمان نهاده است و تیرهایش به خطا نمی‌رود و زخم‌های آن بهبودی ندارد. زنده را با تیر مرگ هدف قرار می‌دهد و تندرست و انسان سالم را با بیماری از پا درمی‌آورد و نجات‌یافته را به هلاکت می‌کشاند. دنیا، خورنده‌ای است که سیر نمی‌شود و نوشنده‌ای است که سیراب نمی‌شود و عطشش تمام نمی‌گردد.^۱

حضرت علامه حفظه الله تعالی نیز در تبیین این ویژگی می‌فرماید:

«شما میراث‌خوار گذشتگانید و آیندگان میراث‌خوار شما خواهند بود. در خانه‌های کسانی ساکن شده‌اید که اکنون ساکنان گورها هستند و به مناصب کسانی نائل شده‌اید که اکنون گوشت بر استخوانشان نیست. چه صورت‌های زیبایی که باد کرد و منفجر شد و چه بدن‌های ورزیده‌ای که پوسید و مضمحل شد! پس به چه چیز این دنیا دل بسته‌اید و به کجای آن چشم دوخته‌اید؟! در حالی که آنچه گرد آورده‌اید، پراکنده خواهد شد و آنچه ساخته‌اید، ویران. بدن‌های خود را برای کرم‌ها فربه کرده‌اید و اموال خود را برای موریانه‌ها هزینه نموده‌اید.»^۲

همچنین، در جایی دیگر می‌فرماید:

«دنیا را دوست ندار؛ زیرا دنیا آن را که بیش از همه دوستش داشته، وا گذاشته است. اگر باورت نمی‌آید به گذشتگان بنگر؛ آن‌هایی که روزگاری در کنارت بودند و امروز اثری از آن‌ها نیست. پس سرگذشت آن‌ها را مرور کن و از عواقب آن‌ها عبرت بگیر؛ زیرا آن‌ها انسان‌هایی چون تو بودند که مرگ گلویشان را گرفت و قبر، اجسادشان را بلعید و زمان، آثارشان را محو کرد. آیا می‌پنداری که آنچه بر سر آن‌ها آمد بر سر تو نخواهد آمد؟! چگونه؟! در حالی که بسیاری از آن‌ها قدرتمندتر از تو و بسیاری دیگر ثروتمندتر از تو بودند و با این حال، قدرت و ثروت‌شان به آن‌ها سودی نرساند و سرانجام به درون درّهی مرگ سرنگون گردیدند. زنده‌ها! معاشرت با زندگان تو را از مردگان غافل نکند، تا با آن‌ها در تحصیل مال مسابقه دهی و در ساختن خانه‌ها و خریدن ابزارها و گرفتن زن‌ها و فرو رفتن در لذّت‌ها؛ چرا که زندگان، مردگان آینده هستند؛ همچنانکه مردگان، زندگان گذشته‌اند... چه بسیار

۱. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۷۳

۲. گفتار ۲۶

خفتگانی که برنخاستند و روندگانی که باز نگشتند و بیمارانی که بهبود نیافتند. همانا هر که زنده است می‌میرد و هر که می‌خورد، خوراک خاک می‌شود.^۱

همچنین، در جایی دیگر می‌فرمایند:

«باری به سرگذشت پیشینیان نظر کنید و از فرجام آنان عبرت بگیرید؛ همانان که روزهای خدا را از یاد بردند و نعمت‌های او را کفران نمودند، پس تیغ بدبختی بر گردنشان فرود آمد و تیر تباهی بر جناغ سینه‌ی شان نشست، پس چنان نابود شدند که گویی هیچ گاه در جهان نبودند! اینک شما در زمین‌های آنان ساکن شده‌اید و بر ویرانه‌هایشان خانه ساخته‌اید، پس به راه آنان نروید و به رسمشان نکنید که آنچه بر آنان رسید، بر شما نیز خواهد رسید، تا عبرتی برای آیندگان شوید، چونانکه آنان عبرتی برای شما شدند!»^۲

۵. دنیا سرای فانی

حضرت علی علیه السلام در بیان این ویژگی می‌فرمایند:

«آگاه باشید که همانا این دنیا که شما آرزویش کرده و بدان علاقه دارید، شما را گاهی به خشم می‌آورد و زمانی خشنود می‌سازد و منزلی نیست که برای آن آفریده و به آن دعوت شده‌اید؛ آگاه باشید نه دنیا برای شما جاودانه می‌ماند و نه شما در آن جاودانه خواهید ماند.»^۳

حضرت علامه حفظه الله تعالى نیز در تبیین این ویژگی می‌فرمایند:

«ای بندگان خدا که به گرد آوردن اموال سرگرم شده‌اید و برای تحصیل قدرت مسابقه گذاشته‌اید! بدانید که زندگی شما ناپایدار و مرگ شما نزدیک است. گورها را برای شما کنده‌اند و کفن‌ها را برای شما بریده‌اند.»^۴

۱. نامه‌ی ۲

۲. نامه‌ی ۶

۳. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۷۳

۴. گفتار ۲۶

۶. دنیا کمین‌گاه صیاد مرگ و جان‌گداز بودن لذت‌های آن

حضرت علی علیه السلام در بیان این ویژگی می‌فرماید:

«ای مردم، همانا شما در این دنیا هدف تیرهای مرگ هستید که در هر جرعه‌ای، اندوهی گلوگیر و در هر لقمه‌ای، استخوان شکسته‌ای قرار دارد. در دنیا به نعمتی جز با از دست دادن نعمت دیگر نمی‌رسید و از عمر سالخورده‌ای نمی‌گذرد مگر به ویرانی یک روز از مهلتی که دارد و بر خوردنی او چیزی افزوده نمی‌شود مگر به نابودی اثر دیگر... ریشه‌هایی رفتند که ما شاخه‌های آن هستیم، پس چگونه شاخه‌ها بدون ریشه‌ها برقرار می‌مانند؟»^۱

حضرت علامه حفظه الله تعالی نیز در تبیین این ویژگی می‌فرماید:

«جان‌های شما به جرعه‌ای آویخته و نفس‌هاتان به لقمه‌ای وابسته است. اندام شما ناتوان و آفات دنیا در کمین است. هر جایی که بروید گریبان شما در دست مرگ است و شما را از آن گریزی نیست. نه در قلّه‌های کوه‌ها از آن در امان خواهید بود و نه در زوایای دژه‌ها از آن پنهان. اکنون که فرصتی دارید و می‌توانید، برای آخرت توشه‌ای بگیرید و خود را به کاری وادارید که برایتان سودمند است.»^۲

۷. فریبندگی دنیا و سرانجام نافرجامش

امام علی علیه السلام در خطبه‌ای عجیب و شگفت‌آور که به خطبه‌ی غرّا معروف است، درباره‌ی حقیقت دنیا این‌گونه سخن می‌گوید:

«پس به درستی که آبخشور این دنیا تیره و چشمه‌سارش گل‌آلود، منظره‌اش دل‌فریب و آزمایش این دنیا هلاک‌کننده است. فریبنده‌ی ناپایدار، نوری است غروب‌کننده، سایه‌ای است زوال‌پذیر و تکیه‌گاهی است که رو به خرابی می‌رود. آن هنگام که نفرت‌دارندگان به آن انس گرفتند و به آن دل بستند و بیگانگان به آن اطمینان کردند، چونان اسب چموش پاها را بلند می‌کند و سواره را بر زمین می‌کوبد و با دام‌های خود آن‌ها را گرفتار و تیرهای

۱. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۴۵

۲. گفتار ۲۶

خود را به سوی آنان پرتاب می‌کند. طناب مرگ به گردن انسان می‌افکند و به سوی گور تنگ و بازگشتگاه وحشتناک و دیدن جایگاه همیشگی و جزای کردار می‌کشاند؛ و همین طور است رفتار دنیا با کسانی که در آینده می‌آیند و جانشینان پیشینیان هستند؛ نه مرگ از نابودی انسان دست می‌کشد و نه بازماندگان از ارتکاب گناه دست برمی‌دارند و پشیمان می‌شوند؛ از رفتار گذشتگان پیروی می‌نمایند و پی‌درپی می‌گذرند تا پایان به فنا و نیستی منتهی می‌شود.^۱

حضرت علامه حفظه الله تعالى نیز در تبیین این ویژگی می‌فرماید:

«به زودی دنیایی که برای آن رنج‌ها کشیده‌اید و ستم‌ها کرده‌اید و دروغ‌ها گفته‌اید و آبروها برده‌اید، به شما پشت می‌کند و شما را وا می‌گذارد. نه از سکون شما بعد از حرکت متأسف می‌شود و نه از سردی شما بعد از حرارت اندوه‌گین. بر یتیمی کودکان غصه نمی‌خورد و بر بیوه‌گی همسرانتان دریغ نمی‌ورزد؛ چراکه در جبلت آن رحمی نهاده نشده و در سرشت آن عطوفتی نیست. کودکان شیرخوار را پا بر گلو فشرده و نوعروسان ناکام را خاک بر سر کرده و از جوانان آرزومند و پیران نیازمند در نگذشته است. چه بسیار مظلومانی که دادشان را نستانده و افتادگانی که دستشان را نگرفته است! آه از فریادهایی که از آن به آسمان است و آه از اشک‌هایی که از آن بر زمین!»^۲

۸. دنیا سرای فتنه و ناامنی

حضرت علی علیه السلام در بیان این ویژگی می‌فرماید:

«آگاه باشید دنیا خانه‌ای است که کسی در آن ایمنی ندارد، جز آن که به جمع‌آوری توشه‌ی آخرت پردازد؛ و از کارهای دنیا کسی نجات نمی‌یابد؛ مردم به حیل‌های دنیا آزمایش می‌شوند و آنچه از این دنیا گرفته‌اند از دستشان گرفته خواهد شد و برای آن محاسبه خواهند شد و آنچه در دنیا برای آخرت تهیه کرده‌اند به آن خواهند رسید و با آن خواهند ماند. دنیا در نظر چونان سایه‌ای است که هنوز گسترش نیافته کوتاه می‌گردد و هنوز فزونی نیافته کاسته می‌گردد.»^۳

۱. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۸۳

۲. گفتار ۲۶

۳. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۶۱

حضرت علامه حفظه الله تعالى نیز در تبیین این ویژگی می‌فرماید:

«دنیا چون زنی است که کابین او مرگ است یا روسپی بی‌آبرویی است که اجرت او ننگ است. زنه‌ار! او را به همسری نگیر و با او همبستر نشو؛ چرا که این بی‌وفا، شوهرانش را کشته و میراث‌شان را به تاراج برده و عاشقانش را خواب کرده و دارایی‌شان را به سرقت برده است. زنه‌ار! با آرایش خود دلت را نرباید و با عشوه‌هایش تو را نفریبد... دنیا نردبانی است فرسوده که بر آن اعتمادی نیست؛ یا سوراخ مار را ماند که هر کس در آن دست برده، گزیده؛ یا مرداری که گفتار را می‌خواند و مگس را گرد می‌آورد، ولی شیر را می‌راند و آدمی را نفرت می‌افزاید... دنیا زنی است که نمی‌زاید و درختی است که میوه نمی‌دهد و ابری است که نمی‌بارد و سایه‌ای است که نمی‌پاید. زنه‌ار! آن را تکیه‌گاه خود مگیر؛ چرا که تکیه بر دنیا، تکیه بر باد است و دوستی با آن دوستی با گرگ است و با گرگ چه کسی دوستی تواند کرد؟!»^۱

دیدگاه‌های دیگر از این نویسنده:

۱. نکته‌ی «دل‌نوشته‌ای برای علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى»
۲. مقاله‌ی «بررسی تطبیقی تمسک به بنای عقلا در نظر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى و قائلان به جواز اجتهاد و تقلید در شیعه»
۳. مقاله‌ی «بررسی تطبیقی نظر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى در خصوص مصادیق اهل ذکر و مقایسه‌ی آن با نظرات مفسرین فریقین»

